



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1400 – Student Glossary – UNIT 1405

Lesson No: 1405 **Tags:** American Language Course, UNIT 1405, Glossary

What's on?	[سینما] چی داره؟ چه [فیلمی] روی [پرده] است؟	How many at a time can play this game?	هر مرحله چند نفر می توانند این گیم را بازی کنند؟
Let me get the paper.	بذار روزنامه رو بردارم.	The books became <u>too old</u> to use.	کتابها آنقدر قدیمی شدند که نمی شد از آنها استفاده کرد.
Movie ads	آگهی های مربوط به سینماها و فیلم ها	From day to day	هر روز
Show	نمایش دادن	We become older from day to day.	ما هر روز پیرتر می شویم.
What's showing near us?	[در سینماهای] نزدیک ما چه [فیلمی] در حال نمایش است؟	Close(adj.)	نزدیک
Let's see.	بذار ببینیم...	Another	دیگری
Picture	فیلم، نمایش	One another	یکدیگر
The picture starts at 6:30.	فیلم ساعت شش و نیم شروع میشه.	Near one another	نزدیک هم، نزدیک یکدیگر
Motion	حرکت	Cowboy	(در نمایشها و فیلمهای وسترن) سواری که مسلح است و در تیراندازی و گاهی خوانندگی مهارت دارد. کابوی
Motion Pictures	تصاویر متحرک، فیلم	Indian(n.)	سرخپوست
1830s (eighteen thirties)	دهه ی ۱۸۳۰، سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۳۹	Race	مسابقه
Wheel	چرخ، چرخونک	Horse race	مسابقه اسب دوانی
One after another	یکی پس از دیگری	Go through	وارد شدن، عبور کردن از
At a time	هر دفعه، در هر مرحله	One after another	یکی پس از دیگری
Great	بزرگ	We went through the door <u>one after another</u>.	ما یکی پس از دیگری از در وارد شدیم.
Robbery	سرقت	Right	دقیقاً، درست
Nickelodeon	نیکلودیان، نام اولین سینماهایی است که در ایالات متحده به نمایش فیلم برای عموم می پرداختند. این سینماها در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۵ میلادی بسیار گسترش یافتند و علت نامگذاری آنها نیز به خاطر بهای بلیت این سینماها بود که فقط یک سکه ی نیکل (معادل ۵ سنت) بود.	He read ten books <u>one right after another</u>.	او ده تا کتاب را <u>درست</u> یکی پس از دیگری خواند.
Silent	بی صدا	Popular(adj.)	محبوب، دوست داشتنی
Silent pictures	فیلمهای صامت، فیلمهای بدون صدا	Quiet(adj.)	ساکت، بدون صدا
More and more	بطور فزاینده	Early(adj.)	اولیه
Keep	نگه داشتن	The early movies were silent pictures.	فیلمهای اولیه به صورت صامت (بی صدا) بودند.
Frequently(adv.)	اغلب، مکرراً، بطور مکرر	Remain(v.)	باقی ماندن، ماندن
However(Conj.)	در عین حال، علی آئی حال، در هر حال، معهدا	The students in the class remained silent.	دانشجویان کلاس ساکت ماندند.
Star	ستاره [سینما]، هنرپیشه معروف	Talking picture	فیلم دارای گفتگو
Even though = although	حتی اگر، اگرچه	Drama	فیلم یا نمایش داستانی
Two at a time could go through the door.	هر دفعه دو نفر می توانند از در وارد شوند.	Try(v.)	امتحان کردن



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1400 – Student Glossary – UNIT 1405

Lesson No: 1405 **Tags:** American Language Course, UNIT 1405, Glossary

Station	شبکه [تلویزیونی]	Government	دولت
Try another station.	یک شبکه دیگر را امتحان کن. بزنی کانال دیگر.	Regulate	تنظیم کردن، سامان دادن، قاعده‌مند نمودن
Turn	چرخاندن	Pay for	هزینه چیزی را دادن
Musical	نمایش دارای موسیقی	Advertise(v.)	تبلیغات کردن
Funny	خنده دار، با مزه	Advertisement(n.)	عمل آگهی دادن، آگهی، تبلیغ
Isn't there anything funny showing?	[تلویزیون] به چیز باحال و با مزه نداره؟	Set(n.)	دستگاه
Fix(v.)	تعمیر کردن	Television set	دستگاه تلویزیون
There(Interj.)	خب، بیا، بفرما	A great deal	خیلی زیاد
There. That's better.	بفرما. اون بهتره.	Send out	بیرون فرستادن، ساطع کردن (امواج)
There. It's finished.	خب. تمام شد.	Advertiser	تبلیغ کننده
Just in time	درست به موقع	Relax	استراحت کردن، آرام کردن
Commercial	آگهی تبلیغاتی	TV broadcast station	ایستگاه پخش تلویزیونی
I'll be back when the commercial is over.	وقتی آگهی تبلیغاتی تمام شد من برمی‌گردم.	In time	به موقع
Entertain(v.)	سرگرم کردن	Assign	تعیین کردن، معین کردن
Entertainment(n.)	سرگرمی	Transfer	منتقل کردن، جا به جا کردن
In the last fifteen years	در پنجاه سال اخیر	Hold	برگزار کردن
Prefer	ترجیح دادن	They are holding the meeting today.	آنها دارند جلسه را امروز برگزار می‌کنند.
Instead of	به جای	Flat	پنچری
Just	فقط	Get hurt	مصدوم شدن
Such as	از قبیل، مانند	Get caught	دستگیر شدن
Weather report	گزارش وضع آب و هوا	People who break the law almost always get caught by the police.	افرادی که قانون شکنی می‌کنند تقریباً همیشه توسط پلیس دستگیر می‌شوند.
Information	اطلاعات	Get eaten	خورده شدن
Variety(n.)	گوناگونی، تنوع، تطوّر	Get blown about	به وسیله باد جنبانده شدن
Variety show	نمایش تلویزیونی یا تئاتر وارپته. نمایشی که در آن هنرهای متنوع یا سرگرمی‌های گوناگونی از جمله موسیقی، کمدی، شعبده‌بازی یا تردستی، عملیات آکروباتیک، رقص و... اجرا می‌شود.	The leaves get blown about by the wind in the fall.	برگها در پاییز به وسیله باد جنبانده می‌شوند.
Variety is the spice of life.	تنوع ادویه‌ی زندگی است. طعم زندگی به تنوع است. (ضرب المثل امریکایی)	Get painted	رنگ شدن
Broadcast(v.)	پخش کردن (برنامه از رادیو و تلویزیون)	Get cleaned	تمیز شدن
		Get sent	اعزام شدن
		Robber	سارق [سلح]
		get hit	صدمه دیدن
		Criminal(n.)	مجرم، فرد مجرم، جانی
		Damage	آسیب دیدن



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1400 – Student Glossary – UNIT 1405

Lesson No: 1405 **Tags:** American Language Course, UNIT 1405, Glossary

Aircraft هواپیما، طیاره، هر گونه وسیله نقلیه هوایی مانند هلیکوپتر و...

Dramatic وابسته به دراما، نمایشی

Many people like to watch dramatic shows. بسیاری از مردم دوست دارند فیلمهای نمایشی تماشا کنند.

My car wouldn't start last night. دیشب ماشینم روشن نمی شد.

Catch the plane به هواپیما رسیدن

He arrived just in time to catch the plane. او درست به موقع به هواپیما رسید.

Leave رفتن

We arrived just in time to see him leave. من درست به موقع رسیدیم تا موقع رفتن او را ببینیم. (ببینیم که او می رود.)